یکشنبه ۱۳ مرداد ۱۳۹۸ | ۲ ذی الحجه ۱۴۴۰ | سال سی و دوم | شماره ۹۰۳۰
۴ اگوست ۲۰۱۹ | ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

گفت‌وگوی قدس با احمدرضا کریمی، محقق و تدوینگر کتاب «تقی شهرام به روایت اسناد»

ساده، پرنکته، مستند

۱۲

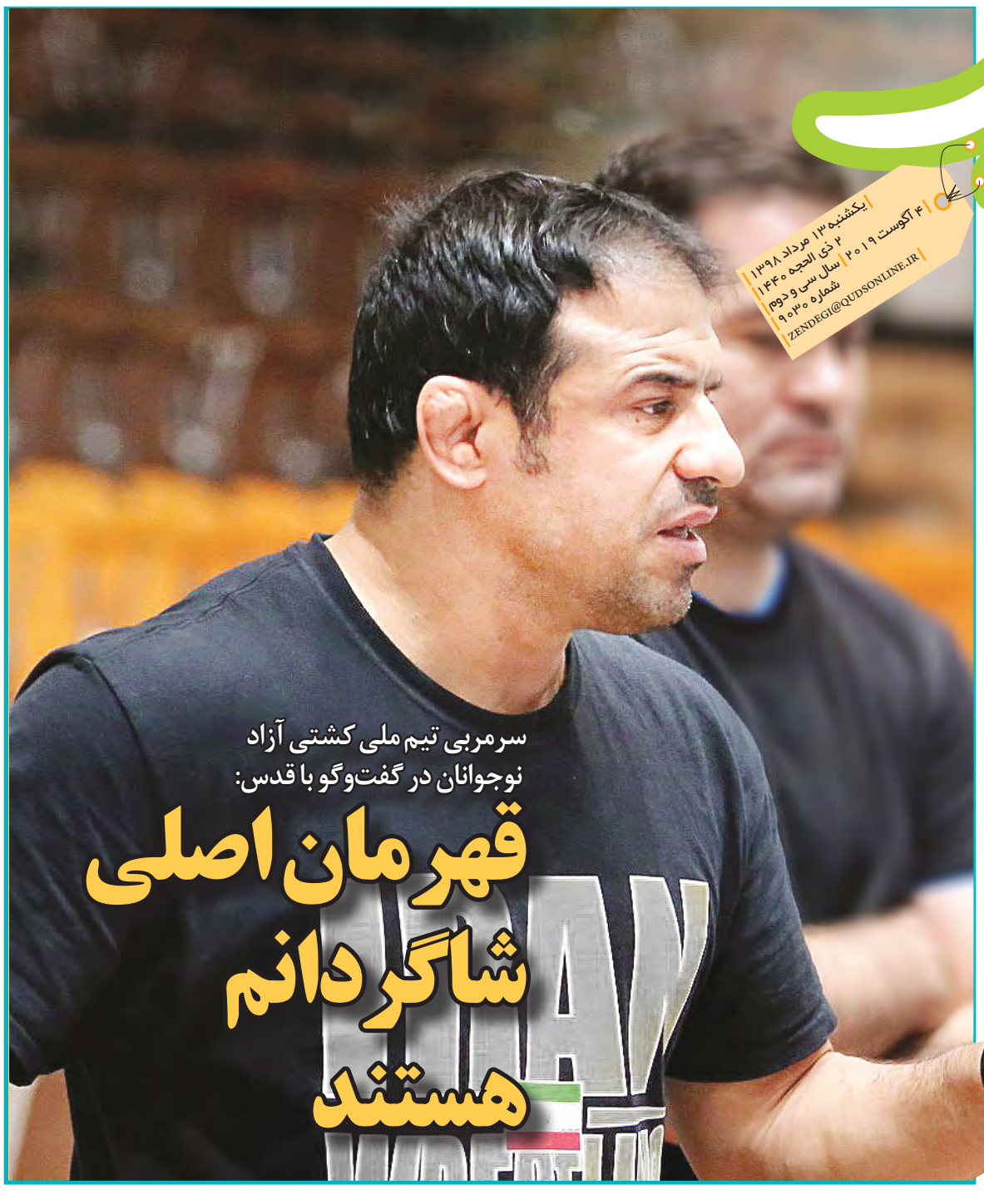

سرمربی تیم ملی کشتی آزاد نوجوانان در گفت‌وگو با قدس:

قهرمان اصلی شاگردانم هستند

کلیدها

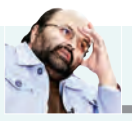

روزنوشته‌های علی‌محمد مؤدب

گمانداران و کمانداران

همه ما گمان می‌کنیم هر چه گفته نشده، شنیده هم نشده است، اما در واقعیت این طور نیست. «گمان» برای خودش جهانی است، جهانی که جهان گمان‌هاست بی‌نهایت اندر بی‌نهایت است. ما گمان می‌کنیم که نگفته‌ایم و نمی‌خواهیم بگوییم، اما همین گمان ظرفیتی عجیب دارد که در آن ناگفته‌ها شنیده می‌شوند. گمان‌ها بسیار کشنده‌تر از کمان‌های پهلوانان نبردهای قدیم، هر لحظه کشیده و کشیده‌تر می‌شوند و کشته هم می‌دهند. اهل گمان و گمانه‌زن‌ها بسیار مقتدرتر از کمانداران و تیراندازانند و هر کجا هم بروی آسمان همین رنگ است و گمانداران مترصد نشسته‌اند و بی‌وقفه شلیک می‌کنند. مراقبت از گمان‌ها چنان است که باید به خدا پناه برد و جز خدا هیچ پناهی نیست. اما به هر حال قدری از موضوع قابل تقدیر و اندازه‌گیری است و می‌شود مدیریتش کرد. به زوج‌های جوانی که از من توصیه‌ای خواسته‌اند همیشه گفته ام که برداشت‌ها و گمان‌های خودتان را هیچ وقت ملاک ارزیابی قرار ندهید. یعنی فکر نکنید دیروز که همسرم این حرکت را انجام داد منظورش فلان چیز بود. ممکن است یک حرکت خاص ده‌ها معنا داشته باشد و همسر شما معنایی دیگر از آن را مدنظر داشته باشد. با گمان خودتان به وجود او شلیک نکنید. هر وقت دیدید گمان‌ها در وجودتان زیاد شده اند چهار قُل بخوانید و با همسرتان حرف بزنید و درباره معنای اتفاقات از او سؤال کنید. راهی جز زبان و گفت‌وگو نیست. حتی آن‌ها که به جایی می‌رسند و زبان خاموشی را می‌شنوند و اشارات نظر را درمی‌یابند هم از همین راه رفته‌اند. پس در توهم نباشید و حرف بزنید. همه دنیا را می‌شود به تنهایی شناخت، اما با آدم ها باید حرف زد. حرف بزنید و پیش از حرف زدن حرف بشنوید اجازه بدهید آدم‌ها خودشان را به شما بشناسانند.باور نمی‌کنید، اما من به تجربه دیده‌ام که حرف نزدن و حرف نشنیدن چه سهم بزرگی در اختلافات ما آدم‌ها دارد. در یکی از دعواهایی که با وساطت من ختم به خیر شد، طرفین دعوا دو سال همدیگر را به خاطر یک برداشت غلط از جملات گفته شده رنج می‌دادند، در حالی که می‌شد با چند پرسش به منظور طرف رسید. پرسش نخست و گفت‌وگوی نخست مهم است.

اما نکته کنکوری ماجرا اینجاست که حوصله داشتن و ادامه دادن گفت‌وگو و به کمین نشستن مهم‌تر از آغاز گفت‌وگو است. گاهی فرد خودش هم نمی‌داند چه می‌گوید، باید از او پرسید و درباره حرفش، حرف زد. بسیاری از دعواها نتیجه همین است که ما با هم گفت‌وگو نمی‌کنیم. یا با شنیدن اولین حرف، گمان می‌کنیم که حرف آخر را شنیده‌ایم.

ورزش

۱۰ ۱۱

وعده ملی‌پوش شمشیربازی درمیان کمبودها

عابدینی: طلای المپیک ۲۰۲۰ را می‌گیرم

پورعلی گنجی در گفت‌وگو با قدس:

فرانسوی‌ها آمارم را درآوردند

پورعلی گنجی پس از تجربه ای که در چین داشت حالا در تیم العربی قطر به یک عنصر مهم بدل شده است. او سعی می‌کند با حفظ آمادگی خود در این تیم راه ورود به تیم‌های بهتر را نیز برای خود هموار کند. چند وقتی است صحبت از حضور پورعلی گنجی درتیم‌های فرانسوی هم به میان آمده، اما بعید است که باشگاه العربی با این انتقال موافقت کند مگر آنکه حق ترانسفر این بازیکن پرداخت شود.

● چندی پیش صحبت از انتقال تو به یک تیم فرانسوی به میان آمد. دراین باره می‌توانی توضیح تازه‌ای داشته باشی؟

درجریان اردوی العربی در نزدیکی‌های شهر بارسلونای اسپانیا بود که ما با تیم تولوز فرانسه بازی کردیم. من در بازی قبل آن حضور نداشتم اما در این بازی به میدان رفتم که شنیدم مسئولان تیم تولوزدرباره من...

چرا اسدی پرسپولیسی نشد؟

ابهام در مورد خرید جدید دنیزلی

باور می‌کنید؟

جسدهایی که میلیون میلیون می‌ارزند!

فؤاد آگاه / کمتر از دو سال پیش، خبرگزاری «رویترز» گزارش جالبی درباره پشت پرده صنعت فروش جسد در آمریکا منتشر کرد. برای یادآوری، چند سطر از آن گزارش را بخوانید تا بعد برویم سراغ حرف اصلی: «سال‌هاست که مؤسسه‌ای به نام «مرکز منابع بیولوژیک» (BRC) در ایالت آریزونای آمریکا افرادی را که روزهای پایانی عمر خود را سپری می‌کنند، ترغیب می‌کند بدن خود را برای پیشبرد علم اهدا کنند... روزی که ما به این مرکز رفتیم، جسد یک کارگر بازنشسته به نام «کونراد پاتریک» در مقابل «سام» مسئول بسته‌بندی جسد قرار داشت.

پاتریک اکنون فقط یک کالا بود که با کد شناسایی BRC۱۳۱۱۲۱۰۳ شناخته می‌شد. او بدنش را فروخته بود و هر عضو بدنش ممکن بود تا چند روز دیگر به همراه یک فاکتور به یک گوشه از آمریکا ارسال شود. سام جسد پاتریک را پس از قطعه قطعه کردن، در هفت بخش مختلف بسته‌بندی کرد. پای چپش باید به یک آزمایشگاه پزشکی در شیکاگو فرستاده می‌شد. شانه چپش را یک مؤسسه در لاس‌وگاس سفارش داده بود تا از آن در یک سمینار جراحی استفاده کند. سر و ستون فقرات پاتریک هم نصیب یک دانشگاه محلی در آریزونا شد. بقیه اندام‌های او از جمله پای راست و زانوی چپش نیز در فریزرهای بزرگ شرکت قرار گرفت تا بانک چند میلیون دلاری اعضای بدن آن را کامل‌تر کنند».رویترز در گزارش خود به این نکته هم اشاره کرده بود که بسیاری از مردم آمریکا از مردم عادی گرفته تا خانواده افرادی که جسد خود را به این مراکز اهدا کرده‌اند، از این نکته غافلند که پدیده‌ای به نام تجارت جسد و اعضای بدن در کشورشان چه ابعاد گسترده‌ای دارد.

دلالان بدن در آمریکا پس از ارتباط با یک اهداکننده یا خانواده او، رضایت‌نامه‌ای را برای امضاکردن به آن‌ها می‌دهند که به زبان فنی نوشته شده و درک آن برای بسیاری از آن‌ها که معمولاً از تحصیلات بالایی برخوردار نیستند، مشکل است. این رضایت‌نامه به دلالان و مراکز فروش اجساد این اجازه را می‌دهد که اجساد را تکه تکه کرده و هر بخش از آن را به قیمت‌های گزافی به مراکز مختلف بفروشند.

جالب آنکه در بسیاری از موارد به دلیل نبود نظارت دولت، اعضای بدن انسان‌هایی که جسدشان به این مراکز اهدا یا فروخته شده است، مجدد توسط دلالانِ بدن خریداری شده و در بازار سیاه به فروش می‌رسند. خبر اصلی اما این است که دیروز «باشگاه خبرنگاران جوان» به نقل از وب سایت «ای بی .سی» نوشت: «جیم استافر» یک جوان اهل آریزونا ۶ سال پیش با کلی خوش‌خیالی و در اقدامی انسان‌دوستانه، جسد مادر ۷۳ ساله‌اش را به امید اینکه تحقیقاتی روی مغز او انجام بگیرد تا به درمان بیماری آلزایمر کمک کند، به «مرکز منابع بیولوژیک» آمریکا اهدا کرده بود.

این مرکز هم فرمی را برای امضا پیش روی جوان گذاشته که در آن قید شده بود از جسد اهدا شده به جز در تحقیقات پزشکی استفاده نشود. «جیم استافر» اما معلوم نیست چگونه متوجه می‌شود که مرکز بیولوژیک جسد مادرش را به ارتش آمریکا فروخته است. گویا جوان آمریکایی شکایت کرده و این را هم متوجه شده که فقط یکی از ده‌ها شاکی در این زمینه است.

تعطیلی روزنامه «وطن امروز» در فضای مجازی حاشیه‌ساز شد

وطن دیروز!

محمدتربت‌زاده | «وطن امروز» شده است آینه دق خیلی‌هایمان. منظور از خیلی‌ها خودمانیم... ما رسانه‌ها... یا به طور مشخص مطبوعات. آینه دق از این بابت که هر روز باید از خودمان بپرسیم: «اگر بحران کاغذ یقه ما را بگیرد چه؟ گذشته از بحران کاغذ، با ریزش مخاطب در این سال‌ها چه کنیم؟ اصلاً به فرض که خودمان را از چنگ شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی که مخاطب‌هایمان را دزدیده است خلاص کردیم، گیریم اندک مخاطبی را که هنوز روزنامه می‌خواند به هزار بدبختی کشاندیم پای دکه‌های مطبوعاتی، گیریم با تیترهای پر سروصدا و گزارش‌های جنجالی، برای خودمان سری در سرها درآوردیم، اما دست آخر اگر سرنوشتمان بشود مثل وطن امروز چه؟ اصلاً بی خیالِ تیترهای پرسروصدا و گزارش‌های جنجالی! فردا روزی اگر بحران کاغذ، مشکلات مالی یا هزار معضل دیگر، «ما» روزنامه‌نگارها و خبرنگارها را از کار بی‌کار کرد، چطور به روی زن و بچه‌مان نگاه کنیم؟ جواب صاحبخانه را چه بدهیم؟» و هزار دغدغه دیگر که هر روز سوهان می‌شوند و می‌افتند به جان روح و روان روزنامه نگارها.

همه چیز از ۸۸ آغاز شد

تیترها و گزارش‌های جنجالی «وطن امروز» به اندازه عمر روزنامه‌اش قدمت دارد. اصلاً شاید به قول بعضی از اهالی رسانه ، وطن امروز شهرتش را مدیون آغاز فعالیتش در سال‌های پر تنش ۸۸ باشد. اگرچه نخستین شماره این روزنامه در روزهای داغ انتخابات ۸۸ منتشر شد، اما مجوز انتشارش دو سال پیش صادر شده بود. اگر بپذیریم وطن امروز در سال‌های اولیه حضورش در عرصه مطبوعات آنچنان برای اهالی رسانه شناخته شده نبود، باید نخستین حاشیه‌سازی این روزنامه را مربوط به ماجرای افشاگری‌اش علیه «رادیو فردا» بدانیم. سال ۹۲ بود که روزنامه وطن امروز در تیتر اولش مدعی شد، رادیوفردا با سخنگوی «جیش‌العدل» مصاحبه کرده‌است. هرچند رادیوفردا این ماجرا را تکذیب کرد اما حمایت رسانه‌هایی مثل «رجانیوز» از وطن امروز، نام این روزنامه را سر زبان‌ها انداخت.

از منتقدان می‌ترسند

دی ۱۳۹۳، هیئت نظارت بر مطبوعات به علت «توهین به رئیس‌جمهوری از طریق درج کاریکاتور» و تیتر نخستی که در تخریب رابطه با همسایگان و در مغایرت با مصوبات شورای عالی امنیت ملی تشخیص داده شده بود، وطن امروز را دادگاهی کرد. تقریباً دو سال بعد هم تیتر «خبر مرگش» که برای انتشار خبر مرگ پادشاه عربستان روی صفحه نخستش قرار گرفته بود، این روزنامه را دادگاهی کرد. همان سال مطلبی با تیتر «پسابرجام و نعل‌های وارونه» در این روزنامه به چاپ رسید که برای چندمین بار بر و بچه‌های وطن امروز را به دادگاه کشاند. با وجود این، اما روزنامه جنجالی کشورمان تقریباً از تمام اتهاماتش تبرئه شد. حاشیه‌سازی‌های وطن امروز آن‌قدر زیاد است که احتمالاً می‌شود درباره‌اش کتاب نوشت؛ به همین خاطر سر و ته حاشیه‌سازی‌های این روزنامه را با بخشی از مصاحبه مدیر مسئولش یعنی «مهرداد بذرپاش» جمع می‌کنیم: مسئولان دولت چون از نظر کار اجرایی ضعیف هستند، از منتقدان می‌ترسند و اینکه این روش آن‌ها با ژست آزادی‌بیان سازگاری ندارد. دبیرخانه شورای امنیت برای نخستین بار در تاریخ جمهوری اسلامی با رویکرد سیاسی با منتقدان برخورد می‌کند، در حالی که این نهاد باید رویکرد فرابخشی داشته باشد تا به اعتبارش آسیب وارد نشود، همین نهاد در برابر اظهارات بعضی از مقامات دولتی که خلاف امنیت ملی بوده حتی تذکر هم نداده است.

روزنامه‌نگارهای تهاجمی

تقریباً دو روز پیش بود که صفحه اینستاگرام روزنامه وطن امروز با انتشار تصویری از اعضای تحریریه‌اش، پایان رسمی کار این روزنامه را اعلام کرد. در متن این پست اینستاگرامی آمده بود: «به اطلاع می‌رسانیم که روزنامه وطن امروز به‌دلیل مشکلات مالی از فردا منتشر نخواهد شد».

پست اینستاگرامی وطن امروز همانا و واکنش چهره‌های مختلف به آن همان! یکی از جنجالی ترین واکنش‌ها مربوط به «حسام الدین آشنا» مشاور رئیس جمهور بود. آقای آشنا با کنایه به تیترهای جنجالی و گزارش‌های پرسروصدای این روزنامه و مواضع گاه ضددولتی‌اش، در صفحه توییترش نوشته بود: «تا فضای سایبری هست، وطن امروز نیازی به کاغذ ندارد. نیروهای جوان و باانگیزه، یادداشت‌نویس‌های جسور، گرافیست‌های نوآور، تیترزن‌های قهار، حامیان سیاسی پرتوان؛ این نسل از روزنامه نگاران تهاجمی فقط سنگر عوض خواهند کرد».

در مقابل بودند چهره‌هایی هم که حسابی از خبر تعطیلی وطن امروز شوکه شده بودند. مثلاً علی قلهکی، روزنامه نگار و فعال رسانه‌ای در توییتر نوشته بود: «روزنامه وطن امروز چوب«استقلالِ مالی» و «حُریتِ سیاسی» خود را می‌خورد. روزنامه‌ای که نقش جدی در افشای جریان غرب‌گرای حامی برجام داشته، در روزهایی که «فلسفه مذاکره با غرب» درحال فروپاشی است، تعطیل شد! و جالب‌تر اینکه برخی از رسانه‌های حامی برجام با اسپانسرهای نفتی و غیرمسلمان سرپا هستند».

اما درواکنش هایی عجیب!

منتقدان سرسخت وطن امروز بارها با تیترهای تند و تیز و گزارش‌های تند و تیزتر نوازش شده بودند نتوانستند خوشحالی خودشان را از تعطیلی وطن امروز بروز ندهند .

علی قنواتی، فعال رسانه‌ای در واکنش به تعطیلی این روزنامه در توییتر نوشته است: «هر چیزی که روی کاغذ قطع بزرگ چاپ شود و از نرم‌افزار ایندیزاین برای صفحه‌آرایی استفاده کند «رسانه» نیست! وطن‌امروز در صورت وجود قانون درست برای مطبوعات و رسانه‌ها یا همان اول انتشار تعطیل می‌شد یا مجبور می‌شد رویه خود را اصلاح کند. تعطیلی یک روزنامه شادی ندارد، اما تعطیلی یک «خزعبل‌نامه» چرا؛ البته اگر در همان ابتدا اتفاق می‌افتاد! پس از ۱۰ سال خزعبل‌پراکنی؟ گریه هم دارد! وطن‌امروز با رانت و عدم شفافیت مالی متولد شد، با رانت و عدم شفافیت مالی زیست و با رانت و عدم شفافیت مالی به درک واصل شد»!لحن تند و تیز و بی‌سابقه علی قنواتی بی‌رحمانه به نظر می‌رسد نمی‌شود بی‌انصافانه از تخته شدن در یک روزنامه خوشحال باشیم یا برای بیکاری همکارانمان پایکوبی کنیم؛ پس بگذارید آرزو کنیم وطن امروزی‌ها یک بار دیگر به جمع اهالی مطبوعاتِ کشورمان برگردند.....تر و اصولی‌تر.

مجازآباد

روزِ عشاق

«مرضیه هاشمی» همزمان با فرارسیدن نخستین روز از ماه ذی‌الحجه با انتشار تصویری از خود و همسرش در اینستاگرامش نوشت:«ولنتاین در اصل تاریخ سیاهی داره از عصر جاهلیت روم؛ پس بذارین داستان جدیدترشو بگم که عاشقانه است: این‌طور میگن که تو قرن ۳، امپراتور رومی کلادیوس دوم، یک روحانی مسیحی رو در این روز کشته. ولنتاین، این روحانی مسیحی، به جوان‌ها کمک می‌کرده ازدواج کنن. ولی کلادیوس می‌خواسته مردها زن نداشته باشن که راحت‌تر بفرستتشون واسه کشورگشایی! تو همه کلیساهایی که تو آمریکا دیدم وقتی روحانی میخواد خطبه عقد رو بخونه، چند تا شرط میگه: پای هم موندن تو روزهای خوب و بد، تو ثروت و فقر، تو سلامتی و بیماری و تا زمانی که مرگ زوج را از هم جدا کنه. با این حال همین آمریکا رتبه سوم طلاق رو در دنیا کسب کرده! من هر سال روز عشق رو جشن می‌گیرم. فقط من ترجیح میدم تاریخ روز عشاقم به تاریخ زیباترین و فداکارانه‌ترین و قوی‌ترین عشق دنیا باشه. سالگرد پیوند فاطمه و علی به همه عاشق‌های واقعی مبارک».

کمی تا قسمتی بو دار!

روز گذشته، مریم ملک‌پور خواهر سعید ملک‌پور، مدیر بزرگ‌ترین شبکه سایت‌های مستهجن ایرانی که در سال ۹۲ به حبس ابد محکوم شده بود، با انتشار ویدئویی در صفحه توییترش از فرار خود و برادرش از ایران و سفر به ونکوور کانادا خبر داد! پس از انتشار این فیلم، جیسون رضاییان، جاسوس آمریکایی که این روزها با پخش سریال گاندو نامش بر سر زبان‌ها افتاده، با انتشار پستی در توییترش نوشت:«درست است؟ سعید ما برای شما و خانواده‌تان خوشحالیم!» پس از این، هشتگ #سعید_ملک‌پور در توییتر فارسی داغ شد. در ادامه نمونه‌هایی از پیام‌های منتشر شده توسط کاربران را می‌خوانید:« لطفاً ما رو هم در جریان آزادی ملک‌پور قرار بدید. یک مرخصی ناگهانی پس از ۱۱ سال حبس و خروج از کشور و ورود به کانادا! قضیه خیلی بو می‌ده... برخلاف رسانه‌های غربی که از ایشون زندانی سیاسی ساختن، به عرضتون می‌رسونم که ملک‌پور بنا به اعتراف خودش با پول ام آی سیکس، پنج سایت مستهجن فارسی راه‌اندازی کرده».

دولت یارانه نمی‌دهد

میکائیل دیانی، خبرنگار وطن امروز در واکنش به تعطیلی این روزنامه در اینستاگرامش نوشت: «۶ سال هر جمعه را سر کار بودم و امروز را نمی‌دانستم واقعاً باید چکار کنم! حتی خانواده‌ام هم عادت نداشتند جمعه‌ها من را در خانه ببینند!

۶ سال اتاق سردبیری و بستن صفحه یک و تیترهایی که هر روز حرفی تازه داشت و غوغایی بود در فضای خبری کشور! دوست و دشمن، رفیق و رقیب، چپ و راست به تیتر یک و صفحه یک ما رشک می‌بردند و ما بودیم که می‌بالیدیم که در وطن امروز هستیم. اما بالاخره هر شروعی پایانی دارد و در وضعیتی که کاغذ قیمتش ۹ برابر شده؛ دولت به رسانه منتقدش یارانه نمی‌دهد و بچه‌های روزنامه چند ماه است حقوق نگرفته‌اند؛ مدیریت روزنامه مجبور بود که تعطیل کند».

فن درفارت: جای دبیک باشم با دوچرخه به مادرید می‌روم!

ورزش: ستاره هلندی سابق رئال مادرید به هموطنش دنی فن‌دبیک که مورد علاقه این باشگاه است توصیه کرد که پیشنهاد کهکشانی‌ها برای بازی در سانتیاگوبرنابئو را رد نکند. رافائل فن‌درفارت می‌گوید: «اگر جای او بودم، حتی اگر لازم بود با دوچرخه به مادرید بروم، این را می‌کردم. الان بهترین فرصت برای فن‌دبیک است که به رئال مادرید برود. رئال یک بیش فصل بی‌دا را سپری کرده و هواداران انتظار یک خرید جدید دارند. فن‌دبیک هم فرصت‌های خودش را برای بازی در رئال مادرید خواهد داشت اما این هم یک واقعیت است که رقابت داخلی در رئال بسیار شدید است.»

رکورد جهانبخش در برایتون شکسته شد

ورزش: باشگاه برایتون رسماً از عقد قرارداد چهار ساله با آدام وستر، مدافع ۲۴ ساله تیم فوتبال بریستول سیتی خبر داد. وستر که ۲۷ بازی برای بریستول به میدان رفت و سه گل هم به ثمر رساند، در روزهای گذشته، تست‌های پزشکی برایتون را با موفقیت پشت سر گذاشت. مطابق اعلام سایت BBC، مبلغ این انتقال، ۲۰ میلیون پوند بوده که رکورد نقل و انتقالات باشگاه برایتون را شکسته است. این رکورد پیشتر در اختیار علیرضا جهانبخش، هافبک ایرانی تیم برایتون بود که فصل گذشته با مبلغ ۱۷ میلیون پوند از اکلمار به انگلیس رفت.

نایتنگولن: اینتر را از تصمیمش پشیمان می‌کنم

ورزش: ستاره بلژیکی که به تیم سابقش کالیاری برگشته، امیدوار است که در این تیم طوری بازی کند که مسئولان اینتر به اشتباه تصمیم‌شان در فروش او پی ببرند. راجا نایتنگولن می‌گوید: «خوشحلم که به خانه برمی‌گردم این امر انتخاب خودم بود هرچند برای ترک اینتر کمی تحت فشار قرار گرفتم اما در نهایت این تصمیم را گرفتم که به کالیاری بیایم و امیدوارم که اینجا عملکرد خوبی داشته باشم. گزینه‌های دیگری هم داشتم اما انتخاب کالیاری برایم بسیار آسان بود. حالا من می‌خواهم خودم را به جالش بکشم و به جایی برگردم که به اینتر ثابت کنم تصمیمش برای انتقال من اشتباه بوده است.»

مسی سه ماه از حضور در رده ملی محروم شد

ورزش: پس از اینکه لیونل مسی در پایان مسابقات جام ملت‌های آمریکای جنوبی، داوران را به تبانی و جانبداری از بزریلی‌ها و کنفدراسیون فوتبال آمریکای جنوبی (کنمبول) را به فساد متهم کرد این کنفدراسیون واکنشی جدی تر به اظهارات مسی نشان داد. کنمبول، کابیتان تیم ملی آرژانتین را به مدت سه ماه از حضور در دیدارهای بین‌المللی محروم و به پرداخت ۵۰ هزار دلار محکوم کرد. بدین ترتیب مسی نمی‌تواند در سه دیدار دوستانه آبی سلسته برابر آلمان، مکزیک و شیلی به میدان برود و یک دیدار انتخابی جام جهانی ۲۰۲۲ را به خاطر اخراج در دیدار رده‌بندی جام ملت‌های آمریکای جنوبی، از دست خواهد داد.

ضد حمله

عذرخواهی رسمی فدراسیون فوتبال عراق بخاطر اتفاقات ورزشگاه کربلا

ورزش: به نقل از صوت العراق، مراسم افتتاحیه رقابت‌های فوتبال غرب آسیا در ورزشگاه کربلا برگزار شد. اقدامات‌های که حضور زنان بی‌حجاب در آن واکنش‌های زیادی را به دنبال داشت و باعث اعتراض‌های زیادی شد. اکنون فدراسیون فوتبال عراق به خاطر این اتفاق بیانیه‌ای صادر و عذر خواهی کرد.
در بیانیه فدراسیون فوتبال عراق آمده است: «واکنش‌هایی که نسبت به برگزاری مراسم افتتاحیه به وجود آمده چه به صورت مثبت و چه به صورت منفی برای ما محترم است. باید تاکید کنیم که شهر کربلا قداست خاص خود را دارد. وزارت ورزش و جوانان برگزاری مراسم افتتاحیه را به یک شرکت لبنانی داد. قرار بود که مراسم محترمتر باشد و به بهترین شکل کشور ما را که از دست تکفیری‌ها نجات یافت به تصویر بکشد. بسیاری بر این باور هستند که این برگزاری چنین مراسمی نوعی بی احترامی به دین و قداست شهر کربلا است. فدراسیون فوتبال عراق عذر خواهی شدید خود از آنچه اتفاق افتاد اعلام می‌دارد. آنچه که اتفاق افتاد اصلا عمدی نبود و هدف خاصی نداشت.

سروش در راه اروپا

ورزش: هافبک تیم فوتبال پرسپولیس که با نظر گابریل کالدرون از این تیم کنار گذاشته شد، به دنبال رفتن به فوتبال اروپاست. سروش رفیعی بعد از ترک اجباری پرسپولیس به پیشنهادهای رسیده داخلی جواب مثبت نداد و به دنبال این است تا در خارج از ایران به فوتبالش ادامه دهد. شماره ۷ پیشین پرسپولیس با پیشنهاد یک تیم قبرسی مواجه شده و علاقه‌مندی‌اش را برای رفتن به لیگ برتر این کشور اعلام کرده است. هم‌اکنون مذاکرات رفیعی و باشگاه قبرسی ادامه دارد تا توافق نهایی حاصل شود.

پیشنهاد اروپایی برای مدافع تراکتورسازی

ورزش: آیمان سلیمی، مدافع تیم فوتبال تراکتورسازی تبریز که فصل گذشته عملکرد خوبی در ترکیب این تیم داشت، با پیشنهادی از یک تیم یونانی مواجه شده و حتی گفته می‌شود توافقاتی نیز بین طرفین صورت گرفته است. بر همین اساس، آیمان سلیمی و وکیلش قرار است جلسه‌ای را با مدیران باشگاه تراکتورسازی برگزار کنند و پس از این جلسه تکلیف نهایی او مشخص خواهد شد.

پیروزی برایتون با حضور ۱۱ دقیقه‌ای جهانبخش

ورزش: در ادامه بازی‌های دوستانه باشگاهی، تیم فوتبال برایتون مقابل والنسیا به برتری ۲ - یک دست یافت. در این بازی که علیرضا جهانبخش، ملی‌پوش کشورمان از دقیقه ۷۹ به جای پرویز برایتون به بازی آمد، تیم انگلیسی توسط ماری در دقیقه ۳۸ (از روی نقطه پنالتی) و دافی در دقیقه ۸۷ به گل رسید و تنها گل والنسیا به وسیله چریشف در دقیقه ۲۸ رده شد.

مطهری: انگیزه زیادی برای شکست الاتحاد داریم

ورزش: مهاجم تیم فوتبال ذوب‌آهن اصفهان گفت که شاگردان علیرضا منصوریان با تیم پرقدرتی روبه‌رو می‌شوند. اما انگیزه زیادی برای شکست الاتحاد و صعود به مرحله بعدی لیگ قهرمانان آسیا دارند. ارسلان مطهری در پاسخ به این پرسش که آیا تیمش می‌تواند در مجموع دو دیدار رفت و برگشت الاتحاد را شکست بدهد، به تسنیم گفت: در فوتبال چیزی قابل پیش‌بینی نیست و شانس و اتفاقات هم مهم است. الاتحاد تیمی است که دو بازیکن خارجی آن، ۹۰ میلیارد تومان قیمت دارند و البته از قیمت دیگر بازیکنان خارجی این تیم خبر ندارم. آن‌ها از لحاظ امکانات فوق‌العاده هستند، اما ما نیز تلاش می‌کنیم به هدف‌مان برسیم.

جدایی قطعی کاوه رضایی از بروحه

ورزش: به نقل از سایت فوتبال ۲۴، کاوه رضایی مهاجم ایرانی در برنامه‌های فیلیپ کلمنت، سرمربی بروحه حاکی ندارد و مسئولان این تیم، مذاکره برای در اختیار گذاشتن این بازیکن به یک تیم دیگر را شروع کردند. مذاکرات بین بروحه و باشگاه نارلما به خوبی پیش رفته است و به نظر می‌رسد این بازیکن ایرانی به زودی راهی نارلما خواهد شد.

دوئل ایرانی‌ها در گروه دوم فوتسال جام باشگاه‌های آسیا

ورزش: گروه دوم مسابقات فوتسال جام باشگاه‌های آسیا شاهد رویارویی بازیکنان ایرانی خواهد بود. در گروه دوم این مسابقات تیم‌های تای‌سون‌نام ویتنام، نفت الوسط عراق، الریان قطر، AGMK ازبکستان در کنار هم قرار گرفته‌اند. تیم نفت الوسط همانند سال‌های اخیر فرهاد توکلی بازیکن ملی پوش ایرانی را در اختیار دارد. همچنین تیم الریان قطر محمد طاهری و محمد صفری دو بازیکن ایرانی دیگر را جذب کرده است و بازی این دو تیم عربی در واقع دوئل بازیکنان ایرانی هم خواهد بود.

فولاد و نساجی حریفان تدارکاتی پرسپولیس

ورزش: بنابر اعلام محسن خلیلی، مدیر تیم، سرخپوشان در جریان برنامه‌های آماده‌سازی خود، برنامه بازی‌های تدارکاتی را به صورت هفتگی انجام خواهند داد.
در همین راستا، گابریل کالدرون این هفته در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ۱۶ و ۱۷ مرداد، شاگردان خود را به مصاف تیم‌های فولاد اهواز و نساجی قائمشهر می‌فرستد. این بازی‌ها از ساعت ۱۸ در ورزشگاه شهید کاظمی انجام خواهد شد. گفتنی است با توجه به این که شروع بازی‌های فصل جدید به تعویق افتاده است، کالدرون قصد دارد با انجام بازی‌های دوستانه، هم شناخت بیشتری نسبت به ویژگی‌ها و قابلیت‌های بازیکنان پیدا کند و هم ضمن شناسایی ترکیب خود، بازیکنان را به تفکرات تاکتیکی خود آشنا سازد.

دستیار اسپانیایی مجیدی در انتظار تأیید کمیته فنی

ورزش: کادر فنی تیم فوتبال امید ایران با درخواست فرهاد مجیدی با یک مربی اسپانیایی تقویت می‌شود. مجیدی در همین از تباط چندی پیش به اسپانیا سفر کرد تا درباره انتخاب این مربی اسپانیایی تحقیقاتی را انجام بدهد. حمید اسنیلی مدیر تیم فوتبال امید درباره اضافه شدن مربی اسپانیایی به تیم امید تأکید کرد: فرهاد مجیدی هفته گذشته به اسپانیا سفر کرد و با یکی دو مربی صحبت هایی داشت. مجیدی رزومه هایی گرفته و قرار است در کمیته فنی مطرح شود. باید دید با کدام یک موافقت می‌شود.

پورعلی گنجی در گفت‌وگو با قدس:

فرانسوی‌ها آمارم را درآوردند

حمیدرضا عرب: پورعلی گنجی پس از تجربه‌ای که در چین داشت حالا در تیم العربی قطر به یک عنصر مهم بدل شده است. او سعی می‌کند با حفظ آمادگی خود در این تیم راه ورود به تیم‌های بهتر را نیز برای خود هموار کند. چند وقتی است صحبت از حضور پورعلی گنجی در تیم‌های فرانسوی هم به میان آمده اما بعید است که باشگاه العربی با این انتقال موافقت کند مگر آنکه حق ترافسر این بازیکن پرداخت شود.

● **چندی پیش صحبت از انتقال تو به یک تیم فرانسوی به میان آمد. در این باره می‌توانی توضیح تازه‌ای داشته باشی؟**

درجریان از دوی العربی در نزدیکی‌های شهر بارسلونای اسپانیا بود که ما با تیم تولوز فرانسه بازی کردیم. من در بازی قبل آن حضور نداشتم اما در این بازی به میدان رفتم که شنیدم مسئولان تیم تولوز در پاره من از مسئولان باشگاه پرسیده بودند که مسئولان العربی هم گفته بودند که من سه فصل دیگر با این تیم قرارداد دارم. درواقع اگر بخواهند من را منتقل کنند باید پول خوبی از باشگاهی بگیرند که من را می‌خواهد. من تابع تصمیم باشگاه هستم. اگر بخواهند بمانم با قدرت کارم را ادامه می‌دهم و اگر هم تصمیم دیگری بگیرند می‌پذیرم.

● **به تازگی هم مهدی طارمی به پر تغال رفته و حتی صحبت از حضور بیرانوند در تیم‌های اروپایی است. به نظرم بیرانوند با انتقال به اروپا می‌تواند بیشتر پیشرفت کند. البته اگر پیشنهادی بیاید و او به توافق برسد. انتقال او به ایتالیا سبب افتخار ما خواهد شد و معتقدم او در سری آ هم می‌تواند روزهای موفقی را تجربه کند. البته باز هم تأکید می‌کنم که اگر انتقال نهایی شود. درباره بازیکنانی که کار کنان بازی کرده‌ام، فقط می‌توانم این را بگویم که توانایی‌هایشان بیشتر از این حرف‌هاست و می‌توانند به مدارج بالایی برسند. منتها یک بحث هم مطرح است و اینکه شرایط و محدودیت‌هایی که وجود دارد ادامه کار را برای پیشرفت بازیکنان ایرانی سخت می‌کند. البته سخت ونه غیرممکن.**

● **لیگ ستارگان قطر به زودی شروع می‌شود. هفته نخست هم با تیمی بازی دارید که امید ابراهیمی را در اختیار دارد.**

هیچ دیداری در لیگ ستارگان قطر آسان نیست، به خصوص که حریفان در نخستین گام الاهلی باشد. امیدوارم یک بازی کم‌نظیر انجام بدهیم و نتیجه در نهایت به سود ما رقم بخورد. برای امید ابراهیمی هم آرزوی موفقیت دارم. الاهلی تیم قدرتمندی است که بازیکنان آماده‌ای در اختیار دارد و چند ستاره نیز جذب کرده. آن‌ها فصل پیش خوب بودند و این فصل نیز قوی هستند.

● **دوست داری رو به روی کدام مهاجم جهان بازی کنی؟**

الحمدلله مقابل بسیاری از مهاجمان مانند کریستیانو رونالدو، زلاتان ابراهیموویچ و دیه گو گاستا بازی کرده‌ام، اما دوست دارم یک بار هم مقابل لیونل مسی قرار بگیرم.

● **دوست داری پشت سرت کدام دروازه‌بان به جز علیرضا بیرانوند بازی کند؟**

ما بهترین دروازه‌بان را داریم و وقتی بیرانوند درون دروازه است خیالمان راحت است، اما سال‌های پیش عملکرد ادوین فن دارسار در منچستریونایتد را خیلی دوست داشتم.

وُریا غفوری

بعد از حواشی اخیر در یکی از برنامه‌های شبکه سوم سیما و توهین مجری برنامه به لوگوی استقلال، موجی از انتقادات به صداوسیما به راه افتاده است. وریا غفوری بازیکن آبی پوشان پایتخت در پستی اینستاگرامی می‌گوید: «صداوسیما سازمانی است که متاسفانه خیلی وقته بسیاری از مخاطبینش را از دست داده و در این سازمان شاهد حضور افرادی هستیم که هنوز از نظر شعور و درک به بلوغ نرسیده‌اند چه برسد که بتوانند در جایگاه مجری، برنامه‌ای در خور شان مردم این اداره کنند.»

لوک شا

بعد از توئیت جنجالی رومئلو لوکاکو مهاجم منچستریونایتد که که عکسی از آمارهای پیش فصل تیمش را منتشر کرد که از دو امین بازیکن برتر از لحاظ تست سرعت بوده است، لوک شا که در این تست نامش به عنوان گندترین بازیکن آمده است در توئیتی می گوید به دلیل مصدومیت، کادرفنی از او خواسته بود که با ۷۰ درصد توانش در تست‌ها شرکت کند، و لوکاکو را تهدید کرده که او را مجبور نکند دیگر جنبه‌های آماری این تیم را منتشر کند.

چرا اسدی پرسپولیسی نشد؟

ابهام در مورد خرید جدید دنیزلی

جواد رستم‌زاده: در تازه ترین اتفاق نقل و انتقالاتی لیگ برتر فوتبال ایران، رضا اسدی هافبک فعل گذشته تیم فوتبال سایپا راهی تیم تراکتور شد تا شاگرد دنیزلی شود اسدی پیش از تراکتور با باشگاه های دیگر از جمله استقلال و سپاهان هم مذاکراتی داشت. گفتنی است دنیزلی بازیکن همچنین علاقه‌اش به تالیس پرسپولیس را هم برای فصل آینده بر تن کند که بعد از جمع‌بندی نهایی، پرسپولیس از جذب وی صرفنظر می کند.

چرا اسدی پرسپولیسی نشد؟

کالدرون روی ربیع خواه برای حضور در خط دفاعی حساب باز کرده و با این حساب تنها گزینه مورد اطمینان برای حضور در پست مهم هافبک دفاعی در پرسپولیس کمال کامیابی نیا است. بازیکنی که علاوه بر مصدومیت مزمن از ناحیه کتف که فصل قبل بارها او را از ترکیب اصلی پرسپولیس دور کرد، حالا مشکل مصدومیت از ناحیه همسترینگ هم برای او پیش آمده تا بدین ترتیب نیاز به یک هافبک دیگر برای پرسپولیس از سوی کادرفنی احساس شود که در این میان رضا اسدی می توانست گزینه خوبی برای حضور در تیم کالدرون باشد ولی ظاهرا درخواست بالای اسدی مانع از این انتقال شد.

سپاهان کنار کشید

جدی ترین مذاکرات اسدی پیش از امضای قرارداد با تراکتور با باشگاه سپاهان صورت گرفت. امیر قلعه نویی سرمربی سپاهان روی جذب این بازیکن نظر مثبتی داشت اما مبلغ درخواستی اسدی او را از این تیم اصفهانی دور کرد. قلعه نویی در مورد خرید اسدی در باشگاه سپاهان و اینکه چرا توافق با این بازیکن که بیش‌تر در سپاهان به میدان می رفت حاصل نشد گفت: با آقای اسدی مذاکراتی انجام دادیم، اما رقمی که اعلام شد دو برابر سقف خرید سپاهان بود. ما چارچوب مالی داریم و همین الان نیز نصف بعضی از تیم‌ها هزینه نکردیم به عنوان نمونه اسدی وقتی مبلغ بالایی گفت از سوی سپاهان این مبلغ تایید نشد. ما برای یک بازیکن چارچوب و شیرازه تیم خود را از لحاظ مالی خراب نمی کنیم. بارها اعلام کردیم باشگاه می تواند قراردادهای خود را اعلام کند و کادر فنی نیز این کار را انجام می‌دهد. همچنان ضرورت خرید دو بازیکن در دو پست وجود دارد.

۴ میلیارد نقابل

گفته می شود اسدی از سپاهان مبلغ ۴ میلیارد تومان، برای یک سال درخواست کرد و چون که ما مخالف صریح مسئولان سپاهانی مواجه شده بود، به جز اسدی به تازگی از سوی مارکو ولموتس به رادوی داخلی تیم ملی دعوت شده بود اما سپاهانی ها تاکید کردند اگر که حاضر نیستند بدون اسدی بازی بدهند که سابقه زیادی در تیم ملی ندارد. به فاصله کمتر از ۲۴ ساعت از آخرین مذاکره اسدی با سپاهان این بازیکن به یکباره باشگاه تراکتور به توافق می رسد و سر از این تیم در می آورد. گفته می شود شرایط درخواستی اسدی از تراکتور مشابه با سپاهان بوده و مدیران تیم تبریزی حاضر شده اند بدار خواست های مالی اسدی موافقت کنند. هرچند که باشگاه تراکتور هنوز چیزی در این خصوص به صورت رسمی اعلام نکرده است.

خبر

غیبت قطعی ۲ ملی‌پوش مس سونگون در باشگاه‌های آسیا

ورزش: تیم فوتسال مس سونگون برای شرکت در مسابقات قهرمانی باشگاه‌های آسیا امشب راهی تایلند خواهد شد. تیم مس که مدافع عنوان قهرمانی این مسابقات به حساب می‌آید، در این بازی‌ها مسلم اولاد فیاد و توحید لطفی، دو بازیکن ملی‌پوش خود را به دلیل مصدومیت در اختیار نخواهد داشت و به‌جای این بازیکنان محمد حاجی‌زاده مسی‌ها را همراهی خواهد کرد. تیم مس سونگون در گروه D مسابقات قهرمانی باشگاه‌های آسیا با تیم‌های ناگویای ژاپن، اظفره اسبورت امارات و کاظمه SC کویت همگروه است. این مسابقات از ۱۶ تا ۲۷ مرداد ماه در تایلند برگزار خواهد شد.

ترابزون اسپور به دنبال تمدید بلندمدت با حسینی

ورزش: سایت «دام‌اگ» ترکیه خبر داد که مسئولان باشگاه ترابزون اسپور این روزها به فکر تمدید قرارداد مجید حسینی، مدافع ملی‌پوش ایرانی خود هستند. حسینی در فصل گذشته از استقلال این راهی ترابزون اسپور شد و قرارداد ش با این تیم دو ساله است. با توجه به عملکرد خوب حسینی در فصل گذشته مسئولان باشگاه ترابزون اسپور به دنبال تمدید قرارداد او هستند.

سرمربی تیم ملی کشتی آزاد نوجوانان در گفت‌وگو با قدس:

قهرمان اصلی شاگردانم هستند

هاشم رسائی فر: امیر توکلیان را مربی صبور و با دانش می‌دانیم. او زمانی که خودش هم روی تشک می‌رفت مقابل همه تلاملمان با مسری ویژه و کوششی قابل تحسین سعی می‌کرد حتش را بگیرد. در عرصه مربیگری هم بدون ادعا مدت‌ها کمک اول مربیان بزرگی چون رسول خادم بود و البته همه گاه به کار کردن روی سنین پایه علاقه ویژه‌ای نشان داده است. همین هم بود که فدراسیون تیم نوجوانان را چشم‌بسته به او سپرد و او از هیچ همه چیز ساخت. تیم توکلیان در حالی نایب قهرمان جهان شد که به گواهه قهرمان اصلی مسابقات جهان، نوجوانان ایران است. بااین سرمربی مشهدی همکلام شدیم تا از سرش هایش در این سال‌ها بشنویم.

● **می‌خواهیم بدانیم از قهرمانی آسیا تا نایب‌قهرمانی جهان چه بر تیم شما گذشت؟**

با توجه به اینکه فاصله مسابقات آسیایی و جهان کم بود سعی کردیم در مسابقات آسیایی بچه‌ها را برای جهانی به اوج آمادگی برسانیم. در واقع اولویت اصلی ما رقابت‌های جهانی بود به نوعی آسیایی را به چشم تورنمنت نگاه کردیم. با این حال در آسیا حریفی جلودار بچه‌های ما نبود. حتی در مسابقات جهانی هم نوجوانان ما سنگ تمام گذاشتند و با یک اشتباه داوری مجبور شدیم روی سکوی دوم بروییم.

● **صحنه گریه کردن ملی پوشان بر سکوی دوم، جهانی شد**

واقعاً در دنک بود که در اوج شایستگی نایب قهرمان شدیم. در واقع باورمان نمی شد و شرمنده مردم شدیم.

● **باوجود نایب قهرمانی در جهان از عملکرد خودتان در تیم ملی نوجوانان ناراضی هستید؟**

زمانی که هدایت تیم ملی را قبول کردم فدراسیون ۹ ماه بلاتکلیف بود و با کمترین امکانات توانستیم هشت فینالیست در رقابت‌های آسیایی و ۶ فینالیست در رقابت‌های جهانی داشته باشیم. در رقابت‌های جهانی نیز تا ظهر روز پایانی ما قهرمان جهان بودیم اما یکسری اتفاقات دست به دست هم داد تا روسیه جای ایران را در سکوی تخت بگیرد.

● **اما قهرمانی در مشت شما بود**

متأسفانه سر تیم ما را بریدند، کشتی گیر ۵۱ کیلوگرم ما را دیسکالیفه کردند و روس‌ها را با دو امتیاز بیشتر قهرمان کردند؛ زیرا دوست داشتند آن‌ها قهرمان شوند. آن روز خیلی احساس تنهایی کردم. کشتی گیران ما موفق شدند حریفان آمریکایی، روس، آذربایجانی و گرجستانی که همه جزو مدعیان جهان هستند را تکست بدهند و چا دارد به همه کشتی گیرانم و اعضای کادر فنی که در این چند ماه من را تحمل کردند خسته نباشید بگویم. از تمامی کشتی گیرانم و حتی قلی زادگان راضی‌ام و معتقدم همگی خوب ظاهر شدند و شایسته بهترین نتایج بودند و معتقدم قهرمان اصلی شاگردان من هستند.

● **در راه آماده سازی جام جهانی چه کارهایی انجام دادید؟**

برای حضور در این رقابت‌ها پنج مرحله اردو برگزار کردیم که دو اردوی آن در رامسر و مشهد بود و سه اردوی بعدی هم در خاقه کشتی برگزار شد.

● **یکی از چالش‌های اصلی در تیم‌های ملی برگزاری مسابقات انتخابی است. شما در تیم ملی نوجوانان مسابقه انتخابی هم برگزار کردید؟**

برای برطرف کردن ابهام، در دو وزن ۶۵ و ۹۲ کیلوگرم مسابقه انتخابی گذاشتیم و بعد تیم برای آسیایی انتخاب شد. سال گذشته نوجوانان ما قهرمان آسیا و جهان شدند، ولی تیم سال گذشته، تیم قهرمان دنیا بود، اما من تیم نوجوانان را تحویل گرفتم شاید باورتان نشود اما در مسابقات آسیایی ۶ نفر اصلاً نخستین سفر بیرون مرزی‌شان را تجربه کردند.

● **پس از این نایب قهرمانی درخواست شما از مسئولان برای حفظ این بچه‌ها چیست؟**

باید از این کشتی گیران مثل یک تیم قهرمان تجلیل شود تا سبب دلگرمی و افزایش انگیزه‌شان شود. از کمیته ملی المپیک و وزارت ورزش می‌خواهم از این نخبگان ورزشی به طور جدی حمایت کنند و نگذارند به حال خودشان رها شوند. رئیس فدراسیون نیز قلق‌هایی به بچه‌ها داده که امیدوارم انجام شود و کشتی گیران آینده سرا از این بالاتر بگیرند زیاد کشتی را دنبال کنند.

● **انتظارتان از شاگردانتان چیست؟**

این‌ها خاربر کشتی ایران هستند که زحمات زیادی برایشان کشیده شده است. نباید این نفرات به حال خود رها شوند. خودشان هم باید تلاش کنند تا در مسیر درستی قرار بگیرند. درواقع به تمرنشستن این نسل حامل کار دوسویه است که باید مکمل هم باشند.

● **مقصر اصلی از بین رفتن قهرمانی ایران در مسابقات جهانی را چه کسی می‌دانید؟**

در نحوه قضاوت داوران اشتباهات زیادی بود و داور قزاق نیز اشتباهات فاحشی داشت. وقتی قلی زادگان شکست خورد حاضر نبود با داور دست بدهد که من به او پرخاش کردم که به وسط تشک برود و بارها فریاد زدم که او نیز این کار را انجام داد این اتفاق بهانه دست آن‌ها داد تا این کار را با تیم ایران بکنند و این اتفاق درس بزرگی برای ما بود.

● **برای قلی زادگان دقیقاً چه اتفاقی افتاد؟**

او یک بچه ۱۹ ساله بود که با شکست در ثانیه‌های پایانی به شدت تحت تأثیر قرار گرفته بود و اشک می‌ریخت. بعد از آن او به سمت من آمد و از پایین تشک به سمت مربی اوکراینی رفت تا با او دست بدهد، حتی مربی اوکراینی نیز سر قلی زادگان را بوسید اما تیم داوری قلی زادگان را به دلیل اینکه چرا از همان بالای تشک به سمت مربی حریفش نرفته با سخت گیری دیسکالیفه و از مسابقات اخراج کرد.

● **برنامه بعدی تان چیست؟ در همین سمت می‌مانید؟**

در جلسه‌ای که با آقای دبیر شرکت کنیم تا ببینیم خواسته‌های رئیس جدید فدراسیون چیست. باید عملکرد تیم ملی را تائید کنیم و از اشتباهاتمان درس بگیریم. بدون شک حداقل ۴۰ درصد نفرات تیم ملی کشتی آزاد در المپیک ۲۰۲۴ را همین نفرات حال حاضر تیم ملی نوجوانان تشکیل می‌دهند.

وعده ملی پوش شمشیربازی درمیان کمبودها

عابدینی: طلای المپیک ۲۰۲۰ را می گیرم

ورزش: مجتبی عابدینی، فاتح نخستین نشان جهانی شمشیربازی ایران درباره تاریخ سازی‌اش می‌گوید: مسابقه جهانی سالی یک بار برگزار می‌شود و اهمیت بالایی برای همه کشورها دارد، امسال حضور در این مسابقه برای گرفتن سهمیه المپیک هم مطرح بود و همه با قدرت آمده بودند و من پس از ۲۲ سال موفق شدم مدال برنز جهانی را بگیرم. این مدال برایم ارزشمند بود، حریفان قدرتمندی را شکست دادم و از بین مدال‌هایی که گرفتم این برایم ارزشمندترین است.

وعده طلای المپیک

در ادامه عابدینی با اشاره به اینکه در المپیک لندن سی و ششم شده بود، یاد آور شد: وقتی داشتیم به همراه مربی‌ام از دهکده مسابقات برمی‌گشتیم در هواپیما با هم عهد بستیم که المپیک بعدی مدال بگیریم. در المپیک ریو هم از پای مدال رفتم و ناداوری‌هایی پیش آمد، اما اکنون تمام هم و غم من ۲۰۲۰ است و سهمیه المپیک را هم در انفرادی هم در تیمی خواهیم گرفت. وی اذعان کرد: قبل مدال طلای المپیک را می‌دهم چون در ریو حقم بود که طلا بگیرم و اگر به فینال می‌رفتم طلامی گرفتم و بازیکنی را که طلا گرفته بود دو ماه قبل شکست داده بودم.

مدال دخترانه!

عابدینی در پاسخ به این پرسش که چرا مدالت را به دخترانتان تقدیم کردید، توضیح داد: پیش از این مسابقات حادثه‌ای برای دختر کوچکم پیش آمد و شیشی وارد چشم‌اوْ شد. در بیمارستان خیلی بهم ریخته بودم و آنجا عهد کردم در مسابقات جهانی مدال بگیرم و به مسابقات رفتم تا برای دخترانمان مدال بگیرم.

بدون استقبال

عابدینی با اشاره به عدم شناخت مردم از او و دیگر قهرمانان احتمالاً شاگرد زوج مگوایر و لندولف در قلب دفاع بوناینت خواهیم بود و باید دید که آیا سران بوناینت توانزیه جوان که در اردوی پیش فصل درخشید را به صورت قرضی واگذار خواهند کرد یا نه. جونز و اسمالینگ و البته مارکوس روخو دیگر گزینه‌های بوناینت برای دفاع وسط خواهند بود و البته اریک بایی نیز چهار یا پنج ماه دیگر می‌تواند به ترکیب بوناینت برگردد. نکته درخشان دیگر بوناینت خرید آروون بیساکا برای پست دفاع راست بود که همان درخشش فوق‌العاده فصل پیش در لباس کریستال پالاس را در بازی‌های تدارکاتی بوناینت از خود نشان داده است. مسلماً او و مدافع چپ بوناینت یعنی لوک شا با حضور در کنار مگوایر می‌توانند سطح بازی خود را بیش از پیش ارتقا دهند.

● **چه ترانسفرهای دیگری را می‌توان از بوناینت توقع داشت؟**

حالا که خیال سولشر و همکارانش از خط دفاع راحت شده است احتمالاً نمرکز آن‌ها بر دیگر قسمت‌های زمین خواهد بود. در فاصله پنج روز تا بسته شدن پنجره نقل و انتقالات تابستانی، ترانسفری که هواداران بوناینت می‌خواهند آمدن پائولو دیبالا ستاره جوان آرژانتینی است. در چند روز گذشته لوکاکو که از رفتن به اینتر ناامید شده، حتا بوده را به عنوان یکی از علاقه‌مندان خود می‌بیند. بوناینت نیز از فرصت استفاده کرده و بازیکنی که برایش جایی دیگر در تورین نیست یعنی دیبالا را می‌خواهد. همه طرف‌ها با این انتقال موافق هستند اما دیبالا همچنان بین ماندن یا رفتن مردد است و همچنین حقوق بالایی را از باشگاه انگلیسی طلب کرده است که باید منتظر بود تا در یکی دو روز آینده تکلیف این انتقال هم که احتمالاً با آمدن دیبالا به لوند ترافورد همراه است مشخص شود.

هری مگوایر قطعی شد، معاوضه لوکاکو و دیبالا در آخرین قدم‌ها

روزهای شلوغ شیاطین سرخ

امیر محمد سلطان پور: پس از اینکه منچستریونایتد در تمام تابستان هری مگوایر مدافع پوش لسترسیتی را تعقیب کرد، سرانجام موفق شد او را با وجود علاقه‌مندی سیتی، با پرداخت رقمی رکوردشکن به چنگ بیاورد. در زیر به پرسش‌هایی مبنی بر این انتقال و معاوضه بسیار محتمل رومئلو لوکاکو با پائولو دیبالا از یوونتوس پاسخ می‌دهیم.

● **چرا بوناینت مجبور شد رکورد گرانقیمت‌ترین مدافع تاریخ را برای مگوایر بشکند؟**

شکی نیست که پرداخت ۸۵ میلیون پوند که ۱۰ میلیون بیشتر از رقم پرداختی لیورپول برای فن دایک است، رقم بسیار سرسام‌آوری برای یک مدافع محسوب می‌شود، اما بوناینت اولویت اصلی خود را از زمان باز شدن پنجره نقل و انتقالاتی خرید یک مدافع تراز اول قرار داده بوده و سولشر هم به شدت خواهان مگوایر بود. آن‌ها بازیکنانی مانند جونز، اسمالینگ، لیندلوف و توانزیه را نیز در ترکیب خود داشتند، اما مدیومیت طولانی مدت اریک بایی آن‌ها را برای این خرید با انگیزه تر کرد. در حقیقت شیاطین سرخ برای چند روز گذشته که به مگوایر علاقه‌مند است و با وجود پرداخت رقم سنگین سرانجام بازیکن مورد نظر خود را به دست آورد.

● **مگوایر چقدر علاقه‌مند پیوستن به یونایتد بود؟**

منچستریونایتد نیز برای خرید مگوایر علاقه‌مندی خود را نشان داد اما ترجیح او همیشه رفتن به یونایتد بود. منابع مختلف بارها گزارش دادند که او به دوستان و نزدیکان خود اعلام کرده که فقط به اولد ترافورد خواهد آمد و می‌خواهد جا پای بزرگانی مانند رو وِ فردیناند و نمایا ماتیچ در خط دفاع این تیم بگذارد

خبر

گلایه محمدرضاشفاه از مسئولان ارشاد

چرا «دیدن این فیلم جرم است»؟

مهر: تهیه‌کننده فیلم سینمایی «دیدن این فیلم جرم است» می‌گوید: مسئولان سازمان سینمایی به دلیل حواشی سریال «گاندو»، جلوی صدور مجوز برای اکران این فیلم را گرفته‌اند!
محمدرضا شفاه در این باره گفت:
پس از چند ماه تلاش بی‌نتیجه برای دریافت پروانه نمایش، همزمان با معارفه آقای محمدمهدی طباطبایی‌نژاد، معاون جدید ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی، نامه‌ای خطاب به ایشان برای تعیین تکلیف فیلم منتشر کردیم که بازتاب زیادی هم در رسانه‌ها داشت. در پی این نامه‌نگاری، جلسه‌ای با سازمان سینمایی و با حضور جناب طباطبایی‌نژاد برقرار شد و درخواست کردیم تا تکلیف «دیدن این فیلم جرم است» را مشخص و نظرشان را صریحاً اعلام کنند.
شفاه ادامه داد: دوستان ابراز کردند که نظرمان این بود تا به فیلم شما مجوز نمایش بدهیم، اما با توجه به مسائلی که حول پخش سریال «گاندو» به وجود آمد، ارشاد نمی‌تواند اجازه دهد «دیدن این فیلم جرم است» هم اکران شود و صراحتاً بیان شد نظر تصمیم‌گیران مربوط این است؛ «اگر ما جلوی پخش گاندو را نمی‌توانستیم بگیریم، اما مانع اکران «دیدن این فیلم جرم است» که می‌توان شد، بنابراین فعلاً اجازه اکران این فیلم را نمی‌دهیم».وی افزود: من فکر می‌کنم این حرکت به نوعی انتقام‌جویی اشتباهی است که در شأن مسئولان سازمان سینمایی نیست. اصلاً به فرض که حرف دوستان درست باشد و هنرمندی اثری ساخته باشد که نسبت به آن انتقاد یا شکایتی وجود دارد، آیا وقتی زورمان نمی‌رسد، یک هنرمند دیگر باید توبیخ شود و یک فیلم دیگر باید به بند کشیده شود؟ قدیمی‌ها در این موارد گفته‌اند که «گنه کرد در بلخ آهنگری به شوشتر زدند گردن مسگری»! این دیگر قانون زورگویی است، هر که زورش می‌رسد براساس منافعش زورگویی کند.
این تهیه‌کننده در پاسخ به این پرسش که با روند پیش رو آیا می‌شود از عنوان «توقیف» برای «دیدن این فیلم جرم است» استفاده کرد؟ اظهار کرد: کلمه توقیف به لحاظ حقوقی برای فیلم‌هایی به کار می‌رود که تخلفی داشته‌اند و به این واسطه رسماً به آن‌ها اعلام می‌شود مجوز نمایش نخواهند گرفت. سازمان سینمایی و وزارت ارشاد امکان توقیف فیلم ما را به لحاظ قانونی ندارند، چرا که فیلم ما از لحاظ رویه‌های قانونی هیچ تخلفی نداشته که بتوانند آن را توقیف کنند،بنابراین صراحتاً این موضوع را نمی‌گویند و بهانه‌جویانه هر بار به دلیل جدیدی ابراز می‌کنند که «بهتر است این فیلم فعلاً اکران نشود».
شفاه درباره اصلاحیه‌های «دیدن این فیلم جرم است» عنوان کرد: در قدم اول به ما عنوان کردند اصلاحیه‌هایی برای فیلم در نظر گرفته شده است؛ بنابراین ما جلسه‌ای تشکیل دادیم تا حضوری درباره اصلاحیه‌ها و تدقیق آن‌ها مذاکره کنیم که در طول جلسه به ما فهمانده شد که این اصلاحات موضوع اصلی نیست و بحث اصلی‌تری درباره کلیت اکران فیلم ما مطرح است و ما هنوز باید مذاکرات در سطوح بالاتری داشته باشیم. مذاکراتی که بارها بین مسئولان حوزه هنری، سازمان تبلیغات، وزارت ارشاد و رئیس سازمان سینمایی شکل گرفته و توافقات و وعده‌هایی درباره «دیدن این فیلم جرم است» صورت گرفته است، اما ما باز به پله اول بازگشته‌ایم. بنابراین نمایش «دیدن این فیلم جرم است» در این شیوه در یک چرخه باطل در حال مدیریت است.

سخنگوی قوه قضائیه از هنرمندان برای ساخت آثاردرحوزه عدالت وامنیت دعوت کرد

غفلت سینما از حوزه قضا

ایرنا: سخنگوی قوه قضائیه در آیین رونمایی از مستند سینمایی «مهین» گفت: موضوعات قضایی و سوژه‌های جنایی برای تولید آثار هنری به ویژه مستند مناسب هستند.غلامحسین اسماعیلی گفت: موضوعات قضایی و به ویژه سوژه‌های جنایی برای تولید آثار هنری مناسب هستند و اگر آنچه در مجموعه قضایی به ویژه در پرونده‌های جنایی رخ می‌دهد، با روایت صحیحی به جامعه ما منتقل شود، اثرات عبرت‌آموزی هم بر کسانی که فیلم را مشاهده می‌کنند، می‌گذارد و هم تلاش و زحمات کسانی را که در عرصه امنیت و عدالت فعالیت می‌کنند تا با کار خود عدالت و امنیت را به عنوان یک ارمغان به جامعه ایرانی اسلامی ما هدیه کنند، بازتاب خواهد یافت.وی در ادامه به پیوند قوه قضائیه و جامعه هنری اشاره کرد و افزود: موضوعات قضایی و هنر ایرانی اقتضا می‌کرد که خیلی زودتر از این پیوندی برقرار کنند. قضا در جامعه ما و مکتب اسلامی، تاریخی طولانی دارد و هنر هم در جامعه ایرانی از افتخارات ماست. گرچه سروده «هنر نزد ایرانیان است و بس» از خود ماست، اما بیانگر یک واقعیت است.
اسماعیلی با ابراز تأسف از فاصله موجود میان حوزه هنر و قضا به مستند مهین اشاره و عنوان کرد: با این فیلم و با آثار هنری دیگری که در سال‌های اخیر از موضوعات جنایی و قضایی تهیه شده است، تلاقی و پیوندی میان این دو مجموعه ایجاد شده که البته ما معتقدیم در آغاز راه است و باید از اینجا به بعد این راه را با همدیگر بپیماییم.سخنگوی قوه قضائیه گفت: مجموعه قوه قضائیه از اینکه هنرمندان عزیز وارد موضوعات قضایی و جنایی شده و راوی واقعیت جامعه ما و مجموعه قضایی بشوند به خصوص در آثار مستند استقبال می‌کند.

فریبا متخصص:مردم دیگر حوصله نمایش‌های رادیویی بلند را ندارند

روابط عمومی اداره کل هنرهای نمایشی رادیو: فریبا متخصص عصر حاضر را عصر کوتاه‌گویی و گزیده‌گویی دانست و از تولید نمایش‌های کوتاه رادیویی استقبال کرد.این بازیگر خاطرنشان کرد: در حال حاضر شرایط به صورتی است که مردم مانند گذشته حوصله گوش کردن به نمایش‌های رادیویی بلندمدت را ندارند و دوست دارند در کمترین زمان ممکن به نتیجه‌گیری برسند.این هنرمند با اشاره به جشنواره نوایش با موضوع نمایش‌های کوتاه رادیویی، خاطرنشان کرد: اصولاً جشنواره‌هایی که درخصوص نمایش کوتاه رادیویی باشد را دوست دارم؛ چرا که به دلیل زمان کوتاهشان، فرصت گوش کردن را به مخاطب می‌دهند.

گفت‌وگوی قدس با احمدرضا کریمی، محقق و تدوینگر کتاب «تقی شهرام به روایت اسناد»

ساده، پرنکته، مستند

فرهنگ و هنر / فاطمه عامل نیک | تقی شهرام به روایت اسناد،مفصل‌ترین کتابی است که درباره تقی شهرام منتشر شده و در بخش پیوست آن بیش از ۲۰۰ سند درباره شهرام وجود دارد. این کتاب نه تنها اطلاعات دست اولی درباره تقی شهرام ارائه می‌دهد، بلکه چهره‌ای تازه از مجید شریف واقفی هم ترسیم می‌کند. شهرام به دلیل نقش محوری که در رهبری سازمان در دوره پس از تغییر ایدئولوژیک تا سال ۱۳۵۷ داشت و رهبری او در انجام بسیاری از ترورهای درون سازمانی و نیز برون سازمان این گروه در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره یکی از شخصیت‌های مرموز و در عین حال جذاب از منظر پژوهشی برای تاریخ‌پژوهان انقلاب اسلامی بوده است. حجم اسناد منتشر شده و استناد شده در این کتاب به اندازه‌ای زیاد است که نیمی از متن کتاب در پایان به آن اختصاص داده شده است. محقق در طول روایت خود از موضوعات مختلف سعی کرده در کنار گزارشی که از شرح وضعیت چهره‌ها و اسامی مطرح شده در طول متن می‌دهد، با مراجعه به مدارک، خاطرات، بازجویی‌ها و نیز اسناد درون سازمانی کشف شده، بخش مختلف گزارش را مستند و راستی آزمایی کرده و در موارد متعددی نیز اقدام به ارائه چند سناریو و متن درباره اتفاقی که مورد بحث است، کرده است. این کتاب توسط احمدرضا کریمی تدوین و از سوی مؤسسه فرهنگی هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی در ۷۰۸ صفحه منتشر شده است. به عقیده شماری از کارشناسان با اثری ساده اما پرنکته مواجه ایم که همزمان با انتشار خود نیز در برخی مطبوعات درباره آن اظهارنظرهای مختلفی صورت پذیرفت. در ادامه با احمدرضا کریمی، محقق و تدوینگر این کتاب درباره تقی شهرام، اسناد دسته اول این کتاب و چند و چون روایت‌هایش گفت‌وگو کرده‌ایم.

◆ کتاب ۷۰۰ صفحه‌ای «تقی شهرام به روایت اسناد» حاوی روایت‌ها و اسنادی است که اطلاعاتی از زندگی تقی شهرام و چند تن دیگر از سران سازمان اطلاعاتی را به خواننده می‌دهد، چرا در شرح وقایع این همه به روی اسناد تأکید داشتید؟

کتاب «تقی شهرام به روایت اسناد» به دلیل دوران زندانی که من به مدت چندماه با تقی شهرام گذرانده بودم و همچنین اطلاع از سابقه نگارش اولیه کتاب چند جلدی «سازمان مجاهدین‌خلق، پیدایی تا فرجام»، به من پیشنهاد شد. بنا را بر این گذاشتم که اولاً چهره واقعی و نه آنچه را در شایعات و مبتنی بر حُب و بغض‌ها بود را از تقی شهرام ارائه دهم. نکته دیگر این بود که آنچه گفته می‌شود مستند باشد و اسناد آن ـ چه از اسناد ساواک و چه از مصاحبه‌ها و گفته‌ها - به شکل مکتوب ارائه شود. به طور مثال من در کتابی نوشته بودم که تقی شهرام یکی از افرادی بوده که به دنبال ترور آیت‌الله بهشتی بوده است، ذکر این حرف مثلاً از طرف افرادی مانند آقای علی افشاری با واکنش مواجه شد و ذکر شده بود که چون من با تقی شهرام حُب و بغضی دارم این حرف را بیان کرده‌ام. من این مطلب را همان‌جا هم عنوان کرده بودم و در این کتاب هم اسنادش آمده است که وحید افراخته در سه‌جا از اعترافاتش صراحت دارد که تقی شهرام به طور جدی به دنبال ترور و حذف فیزیکی مرحوم دکتر بهشتی بوده است. در بین سری یادداشت‌هایی که از وحید افراخته به جای مانده درباره طرح ترور دکتر بهشتی آمده است:
ترس از قطب شدن عناصری مانند بهشتی. تقی شهرام در مورد او می‌گفت: باید از او ترسید. فردی است بسیار سیّاس، باهوش و جاه‌طلب و در آرزوی جانشینی خمینی است. او به آسانی با رژیم علیه مجاهدین متحد خواهد شد. تنها راهِ چاره، کشتن اوست؛ منتها به‌طوری که ردی باقی نگذاریم؛ مثلاً زیر ماشین گرفتن...!
این اتفاق به این دلیل بود که تقی شهرام معتقد بود اگر بهشتی دخالت نمی‌کرد، می‌توانست باز هم روحانیون را قانع کند که از سازمان حمایت کنند و امکاناتشان را در اختیارش بگذارند.

◆گفته می‌شود در این کتاب برخی شایعات و حرف‌های افسانه‌گونه در مورد تقی شهرام خدشه‌دار شده است، در این باره بیشتر توضیح می‌دهید.

نکته‌ای دیگر که من در این کتاب به آن توجه داشتم، اطلاعاتی بود که به نوعی افسانه‌گونه در مورد تقی شهرام عنوان می‌شد. یکی از این موارد فرار تقی شهرام از زندان ساری به همراه ستوان احمدیان و حسین عزتی است. فصل اول کتاب به بازداشت و فرار شهرام از زندان ساری اختصاص دارد. در زندان قصر، شهرام با سه زندانی مارکسیست روابط نزدیکی برقرار کرد. نخستین فرد از این افراد محمدتقی افشانی، عضو چریک‌های فدایی‌خلق بود. علیرضا شکوهی، رهبر گروه «ستاره سرخ» نفر بعدی و سومین فرد حسین عزتی کمره‌ای عضو همان گروه بود. شهرام و عزتی که در تدارک یک اعتصاب در زندان قصر بودند به زندان ساری منتقل می‌شوند و در این زندان با همدستی و همراهی افسر زندان به نام ستوان امیرحسین احمدیان شب ۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۲ از زندان فرار می‌کنند. درباره این فرار فرضیه‌هایی مانند دست داشتن ساواک یا سازمان سیا در این فرار مطرح می‌شد. من واقعیت را به نقل از گفته‌های خود تقی شهرام و به نقل از یادداشت‌های ستوان احمدیان و اسنادی که در ساواک و شهربانی کل کشور وجود داشته، مبنی بر تنبیه و برکناری مسئولان انتظامی در ساری و همچنین برکنارکردن رئیس زندان و جست‌وجوی خیلی گسترده و سنگینی که در اسناد محرمانه ساواک شرحش آمده است که چند روز پس از فرار این سه نفر از زندان، در قطار اهواز ـ خرمشهر، حسین عزتی توسط یک مأمور ژاندارمی دستگیر و بعد زیر شکنجه کشته می‌شود. تحلیل و بررسی‌ها نشان می‌دهد که جریان جدی بوده و این شایعات که در فرار، ساواک یا آمریکایی‌ها دست داشته‌اند، درست نیست.
در این کتاب همچنین ماجرای نفوذ ساواک در سازمان را شرح داده‌ام. همین‌طور نحوه فراری دادن ساواک مانند ماجرای سیروس دماوندی را به تفصیل آورده و ماجرای شهریاری که معروف به مرد هزار چهره است را، توضیح داده‌ام. ماجرای نفوذ ساواک در سازمان مجاهدین‌خلق در ابتدای تشکیل سازمان، توسط شخصی به نام دلفانی را که به ضربه شهریور ۱۳۵۰ منجر شد، تحلیل و شرح داده و تفاوتش را با این ماجرا مشخص کرده‌ام.

◆به جز این دیگر کدام بخش کتاب را جذاب می‌دانید؟

کتاب در بخش پایانی خود نیز روایت تاریخی جذابی از دستگیری تقی شهرام پس از پیروزی انقلاب اسلامی بازگو کرده و در ادامه از چگونگی نگاهداری و بازجویی از وی و در نهایت تشکیل دادگاه برای او را نقل می‌کند که در این زمینه بازخوانی طرح دعاوی و شکایت‌های خانواده عناصر مرکزیت سازمان که به دستور مرکزیت تصفیه شده بودند و بازخوانی نگاه و نظر فرقه رجوی درباره این دادگاه و جریان‌های همسو با شهرام نیز آورده شده است. نخستین دادستان کل انقلاب مرحوم مهدی هادوی است و مسئول پرونده تقی شهرام، آقای سیف است و ایشان تأیید می‌کند نظر تقی شهرام درباره عدم صلاحیت دادگاه‌ها در بررسی پرونده وی درست است. درآن زمان ایشان نظر می‌دهد که چون این اتفاقات در یک سازمان سیاسی رُخ داده، چه بهتر که یک مناظره تلویزیونی برگزار شود و همه گروه‌هایی که دست‌اندرکار بودند حضور داشته باشند و نماینده جمهوری اسلامی و همچنین نماینده سایر گروه‌های اسلامی هم حضور داشته باشند. چنین اقداماتی مطرح می‌شود که این برای نخستین بار صدا خواهد کرد و در دنیا هم انعکاس خوبی خواهد داشت و نشان می‌دهد که در جمهوری اسلامی حتی مخالفان هم می‌توانند در یک مناظره شرکت و بحث کنند، اما سازمان مجاهدین خلق (گروه رجوی) که بعد از انقلاب فعالیت داشتند، قطعاً نمی‌گذاشتند چنین اتفاقی رقم بخورد. در مورد اعدام تقی شهرام هم نظرات متعددی وجود دارد که آیا باید تقی شهرام اعدام می‌شد یا نمی‌شد که من این نظرات را هم در کتاب آورده‌ام.

◆ یکی دیگر از بخش‌های قابل اعتنا شرحی از زندگی و سرگذشت زنان حاضر در سازمان مجاهدین و سوءاستفاده‌هایی است که از این زنان می‌شده است. آیا در اینجا هم شاهد روایت متفاوتی از حضور زنان در سازمان هستیم؟

یکی از دلایل اینکه زنان و دختران در سازمان پذیرفته می‌شدند، پوشش خانه‌های تیمی بود. این مسئله به شکل خیلی زشتی توسط بعضی‌ها در تاریخ نویسی‌هایی که داشتند، تحت عنوان فحشا مطرح شده است. در صورتی که چنین چیزی صحت نداشته و من خودم آن را در کتاب بررسی کرده‌ام. مبنا را در مورد خانم‌ها و قربانی شدن آن‌ها در سازمان مجاهدین بر این گذاشتم که اساساً در این سازمان مردسالاری حاکم بوده و دخترها و خانم‌ها را معمولاً برای پوشش و محافظت از مردان و کادرهای مذکر سازمان خودشان می‌آوردند و مثلاً به خانه‌هایی می‌فرستادند که تصور می‌کردند توسط ساواک لو رفته است و معمولاً برنمی‌گشتند و توسط ساواک کشته می‌شدند و مجبور می‌شدند سیانور بخورند.

◆با توجه به اهمیت این مسئله چرا در اثری مستقل به حضور زنان در سازمان و ماجراهایی که از سرگذرانده‌اند، پرداخته‌نشده‌است؟

بدون شک جای وجود اثری مستقل در این خصوص خالی است، منتها شکل گیری یک اثر مستقل با موضوع زنان مستلزم این است که افراد باقی‌مانده حاضر باشند در این باره صحبت کنند. مشکل این است که برخی از این خانم‌ها حاضر به صحبت نیستند و خاطراتشان را بیان نمی‌کنند. هرچند براساس پرونده‌ها می‌توان مطالبی را عنوان کرد. به عنوان مثال خیلی‌ها بودند که عناصر سازمان روی آن‌ها کار می‌کردند و مارکسیست می‌شدند و بعداً به خاطر همین قضیه خود سازمان از آن‌ها می‌خواست از شوهرانشان جدا شوند. معمولاً این خانم‌ها همسر سمپات‌ها بودند. سمپات‌ها افرادی بودند که زندگی عادی‌شان را داشتند، سرکار می‌رفتند و بچه‌ها در خانه این سمپات‌ها مخفی می‌شدند. این اعضا روی این افراد کار می‌کردند و مثلاً بعد از مدتی اعلام می‌کردند که زن آمادگی ورود به سازمان را دارد و مثلاً شوهرش ندارد؛ بنابراین دستور می‌دادند که زن از همسرش جدا شود و البته برای جداشدنشان تمهیداتی می‌چیدند و یک چیزهای غیرواقعی بین آن‌ها ایجاد می‌کردند که زن خودش متمایل می‌شد از همسرش جدا شود. این زن‌ها وقتی جدا می‌شدند، از نظر تشکیلاتی آموزش می‌دیدند. بسیار اتفاق می‌افتاد که بعد از چند ماه به آن‌ها می‌گفتند که به درد سازمان نمی‌خورند. این زن، هم فراری بود و هم از شوهر و بچه‌اش جدا شده و هم سازمان به او می‌گفت که تو تصفیه هستی. تصور کنید که سرنوشت وی چه می‌شد. بعضی از این افراد سرگذشت‌های بسیار غم‌انگیزی بر این اساس داشتند که من بخشی از آن‌ها را در کتاب چند جلدی سازمان مجاهدین، مثلاً درباره طاهره ایلخانی به تفصیل نوشته‌ام.

◆مهم‌ترین دلیل شما به عنوان محقق برای پرداختن به زندگی تقی شهرام چه بود؟

مهم‌ترین انگیزه خودم این بود که یک عده‌ای نظر می‌دادند، اتفاقی که در سازمان مجاهدین خلق طی سال‌های ۵۲ تا ۵۴ افتاده، کودتا در سازمان بوده است.

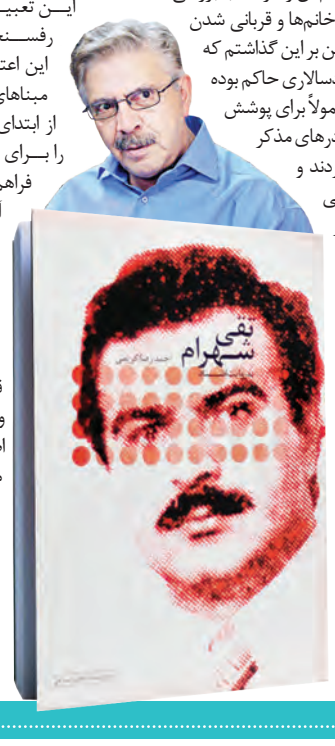

این تعبیر را حتی آقای هاشمی رفسنجانی هم به کار می‌برد. من این اعتقاد را نداشتم و معتقد بودم مبناهای ایدئولوژیکی که سازمان از ابتدای تأسیس داشت، زمینه را برای مارکسیست کردن اعضا فراهم می‌کرد. در واقع یک نوع آمیختگی مارکسیسم و اسلام وجود داشت. این اصطلاح را نخستین بار شاه به کار برد که به آن مارکسیست اسلامی می‌گفت و در واقع درست بود. غیر از چند آیه قرآن که در مورد جهاد بود و بچه‌ها آن‌ها را می‌خواندند، اطلاعات چندانی در مورد مذهب نداشتند. مبحث دیگر نگاه دیالکتیکی آن‌ها و بعد هم نوع نگاه به دوران‌های تاریخی بود که دقیقاً مانند دوران‌های تاریخی مارکسیسم بود. نوع نگاه به اقتصاد در سازمان هم زیربنا دانستن آن بود. آن‌ها مارکسیسم را «علم مبارزه» می‌دانستند. در برداشتی که داشتند، مارکسیسم مانند پزشکی یا مهندسی علم است و این را باور داشتند. البته این فضایی بود که در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ در اغلب جوانان دانشگاه رفته مذهبی نوعی کمپلکس وجود داشت و می‌گفتند هرچه در مارکسیسم هست در اسلام هم هست. به هر حال این زمینه‌ها بود و آن‌ها پس از مدتی احساس کردند که اصلاً به آن بخش مذهبی چه احتیاجی دارند و آن را کنار گذاشتند.
در واقع به نظر من نسبت به سایر سران سازمان مجاهدین خلق، تقی شهرام صادق‌تر بود؛ هم تغییر ایدئولوژی‌اش را عنوان کرد و هم اینکه حتی این تغییر را با روحانیون از جمله آقایان بهشتی، طالقانی، لاهوتی و رفسنجانی در میان گذاشت. بعد از این ماجراست که روحانیون اعلام می‌کنند ما دیگر از شما حمایت نمی‌کنیم و به همین خاطر بعضی‌ها انتقاد می‌کردند از تقی شهرام که می‌توانست سیاستمدارانه‌تر رفتار کند و اصلاً این ماجرا را بیان نمی‌کرد تا کمک‌ها را دریافت کند. در هر صورت من می‌خواستم بیان کنم مارکسیست شدن سازمان طبق مبانی‌ای بوده که سازمان براساسش شکل گرفته و این‌طور نبوده که ناگهان یک شخصی از زندان ساری فرار کند و بیاید بمب مارکسیسم را در سازمان منفجر کند و همه یک مرتبه مارکسیست شوند! اگر چنین چیزی بود چگونه است که عده زیادی در زندان‌ها مارکسیست شدند. عده زیادی از اعضای این سازمان در زندان‌های مشهد، شیراز و تهران (اغلب از سال ۵۱ و قبل از تقی شهرام) خودشان به‌طور اتوماتیک مارکسیست و خیلی از آن‌ها بعداً جذب سازمان‌هایی مانند پیکار شدند و حتی برای مجلس کاندیدا شدند و آدم‌های مطرحی بینشان بود. بیشتر آن‌ها در سال ۵۰ دستگیر شده بودند و تقی شهرام روی آن‌ها نفوذی نداشت.

◆یکی دیگر از نقاط قابل توجه کتاب از نظر کارشناسان، ترسیم چهره‌ای تازه درباره برخی از سران سازمان پیش از انقلاب اسلامی از جمله مجید شریف‌واقفی و مرتضی صمدیه‌لباف است. شما به عنوان محقق در معرفی چهره این دو، شمایلی متفاوت از آن‌ها را پیش چشم قرار می‌دهید که تا پیش از آن شاید در نگاه عمومی چنین نبوده است. در این مورد بیشتر توضیح می‌دهید؟

در این کتاب ما با چهره جدیدی از مجید شریف واقفی آشنا می‌شویم.
مجید براساس اعترافات یا گزارشی که همسرش لیلا زمردیان ارائه می‌دهد، در واقع لو رفته و مشخص می‌شود که مشغول تشکیل یک سازمان جدا و مسلح است. من عین یادداشت‌های لیلا زمردیان را هم در کتاب آورده‌ام که هم متنشان هست و هم حروفچینی شده است.
شریف واقفی در تشکیلاتی به سر می‌برده که خودش قبلاً در این تشکیلات در یک تروری شرکت داشته است؛ یعنی خودش پذیرفته بوده که اگر بخواهد کسی از این سازمان جدا شود و انشعاب بکند، اسلحه سازمان را بردارد و تشکیلات جدایی بخواهد راه‌اندازی کند، باید ترورش کرد. من اینجا براساس اظهارات تقی شهرام و حتی وحید افراخته مرزبندی کردم که مرتضی صمدیه‌لباف و احمد رضایی از نظر ایدئولوژی سنتی‌تر بودند و بیشتر نظر عامه مردم را نسبت به مذهب داشتند، اما شریف‌واقفی چنین نبود و بیشتر اختلاف تشکیلاتی داشت که مسئله ایدئولوژیک هم بدان افزود. بیشتر اختلاف مجید با مرکزیت سازمان و شخص تقی شهرام تشکیلاتی بوده است و یکی از دلایلش می‌توانست این باشد که از مرکزیت سازمان کنار گذاشته شده بود و او در مقابل این حرکت، داشته واکنش نشان می‌داده است.

◆واکنش مخاطبان به این اثر تاکنون به چه شکل بوده است؟

گروه‌های مختلف سنّی و تحصیلی به سراغ این کتاب رفته‌اند و اطلاعات این کتاب برایشان جالب بوده است؛ شاید به این دلیل که درباره آن سال‌ها به‌خصوص نسل سوم و چهارم اطلاعات چندانی ندارند. از آنجا که اطلاعات این کتاب با روایت رسمی که وجود دارد، همخوان نبوده و با بعضی از چیزهایی که خوانده یا شنیده‌اند متفاوت است، ممکن است نظرشان درباره افرادی مانند مجید شریف‌واقفی یا تقی شهرام تغییر کند و آن وقت این پرسش برایشان پیش بیاید که چرا باید نام این شخص روی دانشگاهی در جمهوری اسلامی باشد.

آنچه می‌خوانید

از آنجا که اطلاعات این کتاب با روایت رسمی که وجود دارد، همخوان نیست و با بعضی از چیزهایی که خوانده یا شنیده‌اند متفاوت است، ممکن است نظرشان درباره افرادی مانند مجید شریف واقفی یا تقی شهرام تغییر کند و آن وقت این پرسش برایشان پیش بیاید که چرا باید نام این شخص روی دانشگاهی در جمهوری اسلامی باشد

سینما

رضا مقصودی:

برخی فیلم‌نامه‌نویسان هنوز نمی‌دانند دستمزدشان چقدر است

صبا کریمی: به تازگی شورای مرکزی کانون فیلمنامه‌نویسان سینمای ایران در راستای صیانت کاری و دفاع از حقوق صنفی فیلمنامه‌نویسان و پس از بحث و بررسی‌های کارشناسی به اتفاق آرا، نرخ پایه دستمزد قراردادهای نگارش فیلم‌نامه را در سال ۱۳۹۸ مصوب کرده است.
رضا مقصودی، فیلم‌نامه‌نویس باسابقه و کارگردان سینما درباره تأثیر این طرح در شکل‌گیری دستمزدهای عادلانه می‌گوید: در فضای شغلی ما و در حوزه فیلم‌نامه‌نویسی یک آشفتگی در میزان دستمزدها و مبالغ پرداختی وجود دارد و متأسفانه در این میان با هیچ ضابطه و قاعده‌ای روبه‌رو نیستیم. بسیاری اوقات فیلم‌نامه نویسانی هستند که با من یا با دیگر دوستان تماس می‌گیرند و درباره میزان دستمزدشان در ازای نگارش فیلم‌نامه‌های سینمایی می‌پرسند و به دلیل اینکه چیزی از میزان دستمزدها نمی‌دانند به مشکل برمی‌خورند و شاید مورد بی‌انصافی هم واقع شوند و چون در این فضاها و مناسبات کاری وجود ندارند، دچار ابهام می‌شوند.
فیلم‌نامه نویس و کارگردان «خجالت بکش» ادامه داد: طبیعتاً این اتفاق باید یک زمانی رخ بدهد و کسی باشد که آن‌ها را راهنمایی کند. این در واقع یک راهنمایی عمومی برای کلیه کسانی است که در این عرصه فعالیت می‌کنند و یکسان شدن تصمیمات مالی در این زمینه و به بیانی دیگر ساماندهی دستمزدها امر معقولی است که اگر اتفاق بیفتد، خیلی خوب است. به هرحال در دنیا رتبه‌بندی‌های مالی امر معمولی است و جریان دارد و براساس گرید و درجه‌بندی افراد، دستمزدها مشخص می‌شود. به نظرم قاعده‌مند شدن دستمزدها در همه عرصه‌های تولید سینمایی باید اتفاق بیفتد و خوشبختانه کانون فیلم‌نامه‌نویسان سینمای ایران نیز نخستین گام را برداشته است.
فیلم‌نامه‌نویس «من سالوادور نیستم» تأکید می‌کند: این اتفاق نه در فیلم‌نامه‌نویسی بلکه در بخش بازیگری هم باید رخ بدهد و ضابطه‌مند شود. اینکه چطور می‌توان این بخش را کنترل کرد دقیقاً به سازماندهی صنوف سینمایی برمی‌گردد. ما هنوز به طور دقیق نتوانسته‌ایم این سازماندهی را انجام دهیم. همین گریدبندی که در فیلم‌نامه نویسی مطرح کردم، در میان بازیگران و حتی خود فیلم‌نامه نویسان هم باید رخ دهد. در حال حاضر ما فیلم‌نامه‌نویس درجه یک، دو و سه نداریم و سطوح بازیگران یا فیلم‌نامه نویسان مشخص نشده است. به طور مثال اکنون نمی‌توانیم به یک فیلم‌نامه‌نویس بگوییم تو درجه دو هستی! اصلاً هیچ کس از درجه یک پایین‌تر نیست، اما وقتی این درجه‌بندی براساس قیمت دستمزدها که نشأت گرفته از میزان کیفیت است، ایجاد شود سره از ناسره معلوم شده و می‌توانیم بر مبنای آن سطح یک فیلم‌نامه نویس را هم مشخص کنیم، اما در حال حاضر این گونه نیست و هر کس هر قیمتی بخواهد می‌دهد و شرایط ضابطه‌مند نیست.

◆اقتصاد واقعی در شبکه نمایش خانگی فعال است

مقصودی به فیلم‌نامه‌نویسی در سریال‌های تلویزیونی اشاره می‌کند و می‌گوید: این را باید در نظر داشته باشیم که در فیلم‌نامه سریال‌های تلویزیونی و شبکه نمایش خانگی دو قیمت مجزا عنوان شده که به نظرم باید شبکه نمایش خانگی را معیار قرار داد، زیرا اقتصاد واقعی آنجا فعال است و به سادگی می‌توان فهمید این سریال‌ها چقدر گردش مالی دارند، اما تلویزیون به دلیل اینکه زورش زیاد است، قیمت‌هایش را پایین می‌آورد. در حالی که اگر تلویزیون هم دنبال کیفیت بهتری است باید بتواند این قیمت‌ها را در شرایط بهتری مصوب کند. وی با بیان اینکه این قیمت‌گذاری به عنوان یک مبنا بسیار قابل قبول است، عنوان می‌کند: اکنون کم نیستند کسانی که به دلیل ناآگاهی از قیمت‌ها فیلم‌نامه‌های خود را به مبلغ پایین می‌فروشند و تهیه‌کنندگان هم برای پرداخت دستمزد کمتر، ارزش‌های فیلم‌نامه را نادیده می‌گیرند، علاوه بر اینکه فرد مشکل مالی هم دارد و می‌خواهد یک پولی بگیرد و برود. در حالی که این روند به فیلم‌نامه‌نویسان دیگر هم آسیب می‌رساند.